

- فصل سوم - تشریفات لازمه برای توقیف اموال منقول و غیر منقول ۶۵
- گفتار اول: تشریفات توقیف اموال منقول : ۶۵
- ۱- صورت برداری از اموال منقول : ۶۶
- ۲- ادعای اشخاص ثالث در مورد اموال توقیفی: ۷۰
- ۳- اختلافات ناشی از اجرای حکم: ۷۱
- ۴- ارزیابی اموال منقول: ۷۲
- ۵- حفاظت از اموال توقیف شده: ۷۵
- گفتار دوم : نحوه توقیف اموال غیر منقول : ۷۷
- ۱- صورت برداری اموال غیر منقول : ۷۸
- ۲- ارزیابی اموال غیر منقول : ۸۰
- فصل چهارم - استثنائات وارده بر توقیف اموال ۸۳
- گفتار اول: عدم امکان توقیف اموال دولتی و الزام به تعیین در بودجه سال بعد: ۸۵
- گفتار دوم: شرایط تأدیه دیون شهرداری ها و توقیف اموال مربوطه: ۸۹
- گفتار سوم: استثنائات وارده بر توقیف اموال سایر اشخاص (مستثنیات دین): ۹۲
- منابع و مأخذ: ۹۹

مقدمه

از آن زمان که انسان به زندگی اجتماعی روی آورد، همزیستی و معاضدت با همنوع خویش را آزمود. گوناگونی و پیچیدگی ماهیت انسان به عنوان اشرف مخلوقات بالتبع گوناگونی و تنوع روابط فی مابین او با همنوع خویش را به دنبال داشت و از آنجا که انسان موجودی نفع طلب است و قبل از اقدام به هر فعلی به سنجش سود و زیان حاصل از آن فعل برمی خیزد و با توجه به اینکه یکی از ابعاد مهم منفعت در بعد مادی آن نهفته است، لذا رابطه اقتصادی میان انسانها در جوامع گذشته و جامعه امروزی یکی از شایع ترین روابط موجود است. از طرفی روابط اقتصادی می تواند به ایجاد دین و خلق داین و مدیون منجر شود. دین تعهدی است که بر ذمه شخص به نفع کسی وجود دارد و از حیث انتساب آن به بستانکار (داین) طلب نامیده می شود و از حیث نسبتی که با بدهکار (مدیون) دارد دین یا بدهی نام دارد. قرض اخص از دین است و گاهی لفظ دین را به جای قرض به کار می برند از باب ذکر عام و اراده خاص. همچنین در تعریف دین از آن به عنوان دینی که موضوع آن پرداخت مبلغی وجه باشد نیز یاد می کنند. که در این تعریف دین بر بدهی مالیاتی هم صادق است^۱ (ماده ۲۴ قانون کار مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۲۷). از آنجا که انسان در پی حصول نفع بیشتر گاه به دلیل آز و طمع درصدد عدم ادای دین خویش برمی آید و گاهی نیز به علت وقوع

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۱)، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ دوازدهم، ص

اشتباه و اختلاف بین طرفین رابطه قرض، در اصل وجودی قرض یا میزان آن، از تأدیه دین خویش خودداری می نماید و با توجه به اینکه دادگستری در مقام فاصل خصومت میان افراد موظف به رسیدگی به اختلاف و بالتبع صدور حکم و اجرای آن می باشد لذا در جهت اجرای حکم مبنی بر پرداخت بدهی باید ضمانتهای اجرای^۱ محکم و قابل اطمینان و قابل اجرا در دسترس داشته باشد.

یکی از ضمانتهای اجرای بدیهی در این زمینه توقیف اموال محکوم علیه و فروش آن در جهت تأمین دین است.

قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶/۸/۱ به تدوین مقررات مربوط به چگونگی لازم الاجرا شدن احکام، توقیف اموال منقول و اموال غیر منقول، فروش اموال از طریق مزایده و تأمین محکوم به از محل فروش اموال متعلق به محکوم علیه و تشریفات لازم الرعایه در جهت پرداخت است. البته مقنن در جهت اجرای محکومیتهای مالی سه راه حل ارائه داده است:

۱- توقیف و فروش اموال محکوم علیه

۲- ممنوعیت بدهکار از خروج از کشور

۳- بازداشت بدهکار

که در جای خود به این موارد خواهیم پرداخت.

البته محکومیتهای مالی ممکن است ناشی از مسئولیت قراردادی باشد یا مسئولیت خارج از قرارداد^۲ و البته قدر مشترک هر دو نوع مسئولیت تعهد و الزام است. بنابراین در مورد نوع اول یعنی مسئولیت قراردادی نقض تعهد قراردادی می شود و در مورد مسئولیت خارج از قرارداد نقض تعهد قانونی. همچنین از

۱. برای دیدن مفهوم ضمانت اجرا ر.ک. به: رودیجانی، محمد مجتبی (۱۳۸۷)، حقوق مدنی ۳ (مسئولیت

قراردادی)، شیراز، انتشارات کوشامهر، چاپ اول، ص ۴۲.

۲. برای مطالعه در مورد این مفاهیم ر.ک. به: رودیجانی، محمد مجتبی، حقوق مدنی ۳، همان، ص ۴۶.

مسئولیت خارج از قرارداد با عنوان مسئولیت تقصیری نام برده شده است و هرگونه مسئولیت قانونی که فاقد مشخصات مسئولیت قراردادی باشد، مسئولیت خارج از قرارداد نام دارد. در قانون مدنی مسئولیت خارج از قرارداد را تحت عنوان ضمان قهری آورده اند (ماده ۳۰۷ همان قانون). مسئولیت قراردادی مسئولیت شخصی است که در عقدی از عقود تعهدی را پذیرفته باشد و به علت عدم انجام تعهد یا تأخیر در انجام تعهد خسارتی را به متعهد له وارد آورده باشد. این اصطلاح در برابر مسئولیت خارج از قرارداد به کار می رود و مجموع مسئولیت قراردادی و خارج از قرارداد را مسئولیت مدنی می نامند.^۱

عناصر مسئولیت قراردادی عبارت است از:

- ۱- تخلف از تعهد
- ۲- ضرری که از تخلف مزبور به متعهد له وارد می شود
- ۳- رابطه سببیت بین تخلف و ضرر.
- ۴- البته در مسئولیت ناشی از قرارداد خط رابط بین زیان دیده و مسئول قرارداد است که آن نیز ناشی از توافق طرفین است. اما در الزامات خارج از قرارداد آنچه موجب مسئولیت است قانون است که زیان رساننده را که به طور نامشروع موجب خسارت دیگری شده، ملزم به جبران زیان وارده می نماید. محکومیت‌های مالی در بسیاری موارد ناشی از قراردادهای خصوصی میان اشخاص و تخلف از انجام تعهدات ناشی از آنهاست. مثلاً در عقد بیع خریدار از پرداخت ثمن یا در پیمانکاری پیمانکار از اجرای تعهد خویش خودداری می نماید و بدین وسیله موجب ورود خسارت به متعهد له می گردد.

۱. ر.ک: رودیجانی، محمد مجتبی، حقوق مدنی ۳، همان، ص ۴۷.

البته قبل از پرداخت به ضمانتهای اجرای محکومیتهای مالی و آنچه منظر نظر این نوشتار است یعنی توقیف اموال منقول و غیر منقول، باید مختصری در مورد اصطلاحات توقیف و همچنین اموال منقول و غیر منقول توضیح داده شود. توقیف در لغت به معنی بازداشت کردن، در جایی واداشتن، از حرکت بازداشتن و ضبط کردن آمده است و منقول نیز به معنی نقل شده و جابجا شده و آنچه قابل نقل باشد و بتوان آن را از جایی به جای دیگر برد، استعمال شده و غیر منقول در مقابل آن است^۱.

در اصطلاح حقوقی نیز ماده ۱۱ قانون مدنی مذکور داشته: اموال بر دو قسم است: منقول و غیر منقول. ماده ۱۲ همان قانون مقرر داشته مال غیر منقول آن است که از محلی به محل دیگر نتوان نقل نمود اعم از اینکه استقرار آن ذاتی باشد یا بواسطه عمل انسان، به نحویکه نقل آن مستلزم خرابی یا نقض خود مال یا محل آن شود. بر طبق ماده فوق دو نوع غیر منقول قابل شناسائی است:

- ۱- غیر منقول ذاتی (طبیعی) که عبارت است از آنچه که طبعاً حرکت نمی کند و حرکت داده نمی شود مانند عرصه و اعیان.
- ۲- غیر منقول با عمل انسان که دو صورت دارد: یا به طور مادی ملحق به غیر منقول است مانند پنجره و نیز ممکن است به طور غیر مادی ملحق به غیر منقول باشد^۲ مانند حیوانی که از جهت امور زراعتی به مزرعه اختصاص داده شده باشد که فقط از حیث اموال منقول و غیر منقول و صلاحیت محاکم در حکم غیر منقول می باشد. بنابراین می توانیم در حقیقت ۳ نوع مال غیر منقول را نام ببریم: غیر منقول ذاتی، غیر منقول تبعی و غیر منقول حکمی. مطابق ماده ۱۹ قانون

۱. عمید، حسن، (۱۳۷۴)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم.

۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۶)، حقوق اموال، تهران، گنج دانش، چاپ چهارم، صص ۶۸ به

مدنی: اشیائی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد بدون اینکه به خود یا محل آن خرابی وارد آید منقول است.

تشخیص اموال منقول و غیر منقول بخصوص در مورد توقیف این اموال ضرورت می یابد، زیرا شرایط توقیف این اموال با هم متفاوت است. مثلاً مطابق ماده ۱۷ قانون مدنی حیوانات و اشیائی که مالک آنها را برای عمل زراعت اختصاص داده است از جهت صلاحیت محاکم و توقیف اموال جزء ملک محسوب می شوند. بنابر این ماده شرایط اختصاص دادن مال منقول به غیر منقول عبارت است از:

۱- وجود غیر منقول

۲- وجود منقول ذاتی

۳- تعلق هر دو به یک مالک.

همچنین مطابق ماده ۲ قانون مدنی کلیه دیون از حیث صلاحیت محاکم در حکم غیر منقول است که این اموال را مال منقول یا حکمی می نامند. همچنین سهام شرکتها تا وقتی که شرکت منحل نشده و سرقتی نیز مال منقول حکمی محسوب شده است.^۱

همچنین برخی نویسندگان گفته اند که ممکن است توقیف پاره ای از اشیاء منقول بنا به مصالح خاصی تابع مقررات اموال غیر منقول قرار داده شود. ولی باید توجه داشت که این حکم جز در مواردی که قانون مقرر داشته، اموال منقول را در حکم اموال غیر منقول نخواهد آورد. همچنین این نویسندگان اسناد در وجه حامل را جزء اشیاء منقول می شمارند و البته برخلاف نظر قبلی، سرقتی را جزء اموال غیر منقول حساب می کنند.^۲

۱. همان، ص ۷۴.

۲. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۱)، اموال و مالکیت، تهران، نشر میزان، چاپ پنجم، ص ۶۳.

نویسندگان کتب آئین دادرسی مدنی نیز دعاوی را به دعاوی منقول و دعاوی غیر منقول تقسیم می نمایند^۱. در واقع موضوع اصلی حق ممکن است منقول و غیر منقول باشد. تفکیک دعاوی به منقول و غیر منقول از این جهت اهمیت دارد که دعاوی غیر منقول علی الاصول در دادگاه محل وقوع مال غیر منقول و دعاوی منقول علی الاصول در محل اقامت خواننده اقامه می گردد. دعوا در صورتی منقول محسوب می شود که موضوع مستقیم آن مطالبه مال منقول و اجرای تعهدات باشد و در صورتی غیر منقول است که موضوع غیر مستقیم آن مال غیر منقول یا حقوق راجع به آن باشد.

البته پیش از وارد شدن به بحث توقیف اموال منقول و غیر منقول در قانون اجرای احکام مدنی باید توضیحاتی راجع به مصادره و ضبط اموال که جزء احکام جرائی می باشند، ارائه داد.

ضبط اموال از زمانهای بسیار قدیم رواج داشته است. در روم قدیم اموال کسانی را که بر ضد استقلال و امنیت کشور قیام می کردند یا به جرائم جنائی مهم محکوم می شدند، مصادره می شد و به دولت تعلق می گرفت. ارسطو در کتاب سیاست خود از جمله مناصبی را که در قوه قضائیه بر می شمرد منصب ضبط اموال است.

با توجه به مفهوم مصادره اموال، از ابتدا تا امروز مصادره اموال جزء مفاهیم جزائی بوده و در معنای توقیف و بازداشت موقت اشیاء و اموالی که از طریق جرمی به دست آمده باشد، به کار می رود.^۲ البته ممکن است مصادره اموال که صرفاً از جانب دادگاه امکان پذیر است در باب جرائمی مانند ارتشاء، اختلاس و

۱. شمس، عبدالله (۱۳۸۱)، آئین دادرسی مدنی، تهران، نشر میزان، چاپ سوم، جلد اول، صص ۳۴۹ و ۳۵۰.

۲. محمدی، حمید (۱۳۷۵)، ضبط و مصادره اموال، تهران، گنج دانش، چاپ اول، ص ۱۲ و نظریه مشورتی مورخ ۴۴/۱۲/۲۸ در خصوص ضبط آلات و ادوات جرم ر.ک به «محسنی، مرتضی (۱۳۵۶)، مجموعه نظرات مشورتی اداره حقوقی، تهران، وزارت دادگستری، ص ۳۹۸.

کلاهبرداری باشد که در این جرائم کلیه اموال منقول و غیر منقول که از طریق جرم کسب شده به نفع دولت ضبط می شود اما در برخی موارد مانند اموال مسروقه این اموال تا هنگامی در بازداشت می مانند که به مال باخته برگردانده شوند.

همچنین قانون الحاق به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای رونگردان مصوب ۱۳۷۰/۹/۳ در ماده ۱ در بند ج مقرر داشته: ضبط که در موارد مقتضی شامل جریمه نیز می گردد به معنی محرومیت دائم از مالکیت به موجب دستور صادره از یک دادگاه و یا مرجع صالح دیگر می باشد. همچنین در مواردی نظیر مواد مخدر اموال ضبط می شود تا بعداً معدوم شوند یعنی نگهداری آنها مدنظر نیست. ملاحظه می شود که ضبط و مصادره اموال در امور جزائی و در حقیقت به عنوان کیفر به کار می روند^۱ و عمدتاً یا توسط مجرم ساخته شده اند مانند سکه های تقلبی یا اینکه اموال خود مجرم هستند که به عنوان مجازات و جریمه ضبط می گردند و در هر حال ضبط و مصادره در پی جرمی که اتفاق افتاده صورت گرفته و به عنوان مجازات مجرم تلقی می شود. البته در مواردی همانند اموال مسروقه که ضبط آنها برای استرداد به مال باخته می باشد نیز هرچند ممکن است گفته شود که گرفتن این اموال را نمی توان مجازات تلقی کرد چون متعلق به سارق نمی باشد اما در هر حال این ضبط نیز به دنبال ارتکاب جرم سرقت واقع شده است.

اما توقیف اموال منقول و غیر منقول در قانون اجرای احکام مدنی، در ذیل عناوین حقوق مدنی و آئین دادرسی مدنی بحث می شود نه عناوین جزائی. در اینجا با مجرم سروکار نداریم بلکه در بسیاری اوقات با مدیونی روبرو هستیم که اموالی را از راه مشروع به دست آورده اما به دلیل عدم پرداخت بدهی اموال وی

۱. مظفری، احمد (۱۳۸۲)، نظرات قضائی در جرائم مواد مخدر، تهران، نشر ققنوس، چاپ دوم، ص ۱۴۳.

توقیف می شود تا از محل فروش آنها بدهی وی پرداخت شود بنابراین توقیف اموال در قانون اجرای احکام مدنی امری مدنی و در ارتباط با روابط خصوصی اشخاص است نه امری جزائی و مربوط به رابطه فرد با دولت، زیرا مصادره تملیک مال است به دولت. در حقیقت مصادره به معنی تاوان جرم است و استرداد اموال و املاک است که اشخاص به ناحق در اختیار گرفته اند (اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). ولی توقیف مال در اصطلاح آئین دادرسی عبارت است از: صیانت مال از افراط و تفریط و نقل و انتقال علیه مالک و گفته شده توقیف مال اعم از تأمین است.

بازداشت نیز به معنی جلوگیری از آزادی شخصی یا مال معینی می باشد این کار را مراجع رسمی و نیز اشخاص حقیقی ممکن است انجام دهند در صورت اخیر عملی غیر قانونی است که این عمل غیرقانونی را گاه یک مرجع رسمی نیز ممکن است انجام دهد. بازداشت دولتی ممکن است مستند به حکم دادگاه یا اجرای ثبت یا دستور مراجع انتظامی باشد. بازداشت اجرائی نیز بازداشت مال مدیون یا محکوم علیه در اجرای ثبت یا اجرای دادگاه است. این بازداشت مدنی است. بنابراین بازداشت دادگاه یعنی بازداشت مال محکوم علیه یا مدعی علیه در اجرای حکم یا قرار دادگاه به وسیله اجرای محاکم. توقیف نیز در لغت به معنی بازداشت و بازداشتن می باشد و وقف نیز که از احباس است در واقع گونه ای از توقیف مال (عین موقوفه) می باشد و پس از وقف آزادی تصرف واقف و موقوف علیهم در عین موقوفه از بین می رود.

توقیف اجرائی نیز به معنی توقیف مال مدیون یا محکوم علیه از طریق اجرای ثبت یا اجرای دادگاه می باشد. این توقیف مانع تصرف مالک در مال توقیف شده است. یعنی آن نوع تصرفاتی که به حقوق کسی که مالی برای او

بازداشت شده است زیان برساند.^۱ وظیفه منتفع از رأی دادگاه در اجرای احکام این است که در صورتی که مالی از محکوم علیه سراغ دارد به دادگاه معرفی نماید و اجراء در صورت حصول صحت این ادعا اقدام به توقیف طبق شرایطی که خواهد آمد و برگزاری مزایده جهت فروش مال یا ملک معرفی شده می نماید.^۲ بازداشت مال به دستور مراجع صالح یک امر انشائی است یا به عبارت دیگر امری تأسیسی بوده و وصفی است که یک مرجع صلاحیتدار آن وصف را به مال معین و یا شخص معین به استناد قانون می دهد.^۳

بنابراین در معنای توقیف می توان گفت که عبارت است از سلب آزادی از شخص یا مال او با حالت انتظار ترخیص. در صورت اول توقیف شخص و در صورت دوم توقیف مال صدق می کند.

با ذکر این مقدمه باید به مبحث اصلی یعنی توقیف اموال منقول و غیر منقول و همچنین بررسی استثنائات وارده براین توقیف پردازیم. در این مورد قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶/۸/۱ مدنظر است.

البته در مورد اجرای احکام مدنی یک لایحه اجرای احکام مربوط به سال ۱۳۱۹ وجود دارد که طبق اظهارات برخی حقوقدانان^۴ شور اول در مجلس تمام شده ولی شور دوم آن ناتمام می ماند.

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ اول، جلد دوم، ص ۱۴۶۳.

۲. نورانی نیا، سهیلا (۱۳۷۷)، نحوه رسیدگی عملی محاکم به پرونده های حقوقی، تهران، نشر خیام، چاپ اول، ص ۱۶ و امیری حسینی، و اخگر، ابوذر (۱۳۸۴)، اندیشه های قضات فارسی، شیراز، کانون تربیت، چاپ دوم، صص ۱۶۵ و ۱۶۷.

۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۵۱)، دانشنامه حقوقی، تهران، انتشارات ابن سینا، چاپ دوم، جلد دوم، ص ۶.

۴. همان، جلد اول، ص ۲۵۳.

برای پرداختن به موضوع پیش گفته شده آن را در چهار فصل عنوان خواهیم کرد. در فصل اول شرایط مشترک توقیف اموال منقول و غیر منقول ذکر می شود. فصل دوم به بیان شرایط خاص توقیف اموال منقول و غیر منقول می پردازد. فصل سوم نیز به بیان تشریفات لازمه برای توقیف اموال منقول و غیر منقول اختصاص دارد و نهایتاً در فصل چهارم استثنائات وارده بر توقیف اموال مورد بررسی قرار می گیرد.

فصل اول

شرایط مشترک توقیف اموال منقول و غیر منقول

در این فصل به بررسی آن دسته شرایط قانونی در زمینه توقیف اموال پرداخته می شود که در مورد توقیف اموال منقول و غیر منقول مشترک هستند. البته قبل از ورود به این بحث در مورد تفاوت تأمین در قانون آئین دادرسی مدنی و توقیف در قانون اجرای احکام مدنی توضیح داده می شود.

گفتار اول: تأمین در قانون آئین دادرسی مدنی و توقیف در قانون اجرای احکام مدنی

ماده ۱۲۱ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ مذکور داشته: تأمین در این قانون عبارت است از توقیف اموال از منقول و غیر منقول و ماده ۱۲۲ همان قانون نیز مقرر می دارد: اگر خواسته عین معین بوده و توقیف آن ممکن باشد دادگاه نمی تواند مال دیگری را به عوض آن توقیف نماید. و در ادامه همین مبحث ماده ۱۲۶ مقرر داشته: توقیف اموال اعم از منقول و غیر منقول و صورت برداری و ارزیابی و حفظ اموال توقیف شده و توقیف حقوق استخدامی خواننده و اموال منقول وی که نزد ثالث موجود است، به ترتیبی است که در قانون اجرای احکام مدنی پیش بینی شده است.

تأمین در اصطلاح به معنی وثیقه و تضمین است و البته معنی مصطلح آن بین حقوقدانان حفظ کردن می باشد.^۱ قرار تأمین عبارت است از قراری که در حقیقت وثیقه ای برای متقاضی آن مقرر می دارد. در آئین دادرسی مدنی تأمین عبارت است از توقیف اموال منقول و غیر منقول^۲، بنابراین به عنوان تأمین نمی توان از ادامه ساخت ساختمانی جلوگیری کرد بلکه باید این منظور را ضمن دستور موقت^۳ عملی ساخت.

بنابراین تأمین خواسته یا تأمین مدعی به معنی وثیقه و تضمینی است که مدعی از اموال مدعی علیه قبل از صدور حکم به نفع خویش از طریق دادگاه می خواهد و گفته شده اگر این وثیقه را بعد از صدور حکم بخواهد تأمین را در این مورد تأمین محکوم به می گویند.^۴

برخی حقوقدانان نیز در مورد تأمین خواسته عبارت توقیف احتیاطی یا تأمینی را که در حقوق فرانسه به کار رفته است، ذکر نموده اند^۵ در ماده ۱۰۸ قانون آئین دادرسی مدنی نیز آمده است که خواهان می تواند قبل از تقدیم دادخواست یا ضمن دادخواست راجع به اصل دعوا یا در جریان دادرسی تا وقتی که حکم قطعی صادر نشده است در موارد زیر از دادگاه درخواست تأمین خواسته نماید و دادگاه مکلف به قبول آن است:

۱. مردانی، نادر، بهشتی، محمدجواد (۱۳۸۵)، آئین دادرسی مدنی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، جلد دوم، ص ۲۸۹.

۲. همان، ص ۲۹۰.

۳. ماده ۳۱۶ قانون آئین دادرسی مدنی: دستور موقت ممکن است دایر بر توقیف مال یا انجام عمل یا منع از امری باشد.

۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، همان، ص ۱۳۳.

۵. متین دفتری، احمد (۱۳۷۸)، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، جلد دوم، ص ۲۸۷ و شیخ نیا، امیرحسین (۱۳۷۳)، آئین دادرسی مدنی ۳، تهران، انتشارات ویستار، چاپ اول، ص

- ۱- دعوا مستند به سند رسمی باشد.
- ۲- خواسته در معرض تضییع یا تفریط باشد.
- ۳- در مواردی از قبیل اوراق تجاری و اخواست شده که به موجب قانون دادگاه مکلف به قبول درخواست تأمین می باشد.
- ۴- خواهان خساراتی را که ممکن است به طرف مقابل وارد آید نقداً به صندوق دادگستری بپردازد.

ملاحظه می شود که تأمین در قانون آئین دادرسی مدنی در مواردی به کار می رود که خواهان به منظور جلوگیری از تضییع و تفریط خواسته با علم به اینکه در دعوا محق می شود، درخواست تأمین می کند و همان طور که در ماده ۱۱۲ قانون آئین دادرسی مدنی نیز گفته شده: درخواست کننده تأمین باید ظرف ده روز از تاریخ صدور قرار تأمین نسبت به اصل دعوا دادخواست دهد. در صورتی که در قانون اجرای احکام مدنی پس از ذکر شرایط حکم مورد اجرا، به ذکر مبحث توقیف اموال منقول و غیر منقول می پردازد و در ماده ۴۹ همان قانون مذکور می دارد: در صورتی که محکوم علیه در موعدهای که برای اجرای حکم مقرر است مدلول حکم را طوعاً اجرا ننماید یا قراری با محکوم له برای اجرای حکم ندهد و مالی هم معرفی نکند یا مالی از او تأمین و توقیف نشده باشد محکوم له می تواند درخواست کند که از اموال محکوم علیه معادل محکوم به توقیف گردد. تأمین و توقیف ذکر شده در این ماده در قسمت اول مربوط به قانون آئین دادرسی مدنی و توقیف دوم مربوط به قانون اجرای احکام مدنی است و همانطور که گفته شد توقیف اموال بعد از لازم الاجرا شدن حکم را تأمین محکوم به گویند و قبل از آن تأمین خواسته گفته می شود. دین خواه پول و خواه به صورت عین کلی فی الذمه باشد به دارائی محکوم علیه تعلق گرفته و پس از صدور حکم دادگاه اولاً هرگاه مورد حکم عین کلی فی الذمه باشد باید مثل آن را

از اموال محکوم علیه گرفته و به محکوم له بدهند و اگر متعذر باشد قیمت حین الاداء که حین اجراء حکم است از محکوم علیه گرفته و به محکوم له می دهند. ثانیاً هرگاه محکوم به پول باشد معادل آن را از اموال منقول یا غیر منقول محکوم علیه بازداشت و از ثمن آن حکم دادگاه اجرا می شود. در موارد ذیل برای اجرای احکام از سایر اموال، محکوم به وصول می شود و قاعده در این مورد بازداشت مال و فروش آن است:

هرگاه محکوم به عین معین منقول قیمی باشد و محکوم علیه ممتنع از تسلیم آن باشد و هرگاه محکوم به عین معین منقول مثلی باشد با امتناع محکوم علیه از تسلیم آن و هرگاه محکوم به کلی باشد خواه عین باشد خواه وجه، با امتناع محکوم علیه از اداء آن^۱.

با ذکر این نکته به بحث اصلی فصل حاضر یعنی شرایط توقیف اموال منقول و غیر منقول می پردازیم.

گفتار دوم: مقررات مشترک توقیف اموال منقول و غیر منقول

همان طور که گفته شد بعد از لازم الاجرا شدن حکم است که توقیف اموال منقول یا غیر منقول محکوم علیه مطرح می شود که مقررات آن در قانون اجرای احکام مدنی آمده است.

مبحث اول: شرایط اجرای حکم:

ماده ۱ قانون اجرای احکام مدنی مقرر داشته: هیچ حکمی از احکام دادگاه های دادگستری به اجرا گذاشته نمی شود مگر اینکه قطعی شده یا قرار اجرای موقت آن در مواردی که قانون معین می کند صادر شده باشد.

پس برای اینکه حکم دادگاه پس از طی مراحل رسیدگی اجرا شود باید:

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دانشنامه حقوقی، جلد اول، همان، ص ۳۶۸.

- ۱- حکم قطعیت پیدا کرده باشد.
 - ۲- حکم مورد درخواست اجرا به محکوم علیه، وکیل یا قائم مقام قانونی وی ابلاغ شده باشد.
 - ۳- درخواست اجرای حکم توسط محکوم له یا نماینده یا قائم مقام قانونی از دادگاه بدوی یا دادگاه صالح برای اجرای حکم شده باشد.
 - ۴- تقدیم اوراق اجرائیه ضمیمه درخواست به تعداد محکوم علیه به اضافه دو نسخه مگر زمانی که حکم جنبه اعلا می دارد.^۱
- حکم قطعی حکمی است که قابل هیچ یک از طرق عادی شکایت (واخواهی، تجدیدنظر) نباشد و در مقابل آن احکام غیر قطعی قرار دارند. فایده مهم این تقسیم بندی آن است که علی الاصول احکام قطعی لازم الاجرا می باشند.^۲ حکم لازم الاجرا حکمی است که چنانچه محکوم علیه به مفاد آن عمل ننماید مأمور این اجرای احکام دادگستری عند الاقتضاء با به کارگیری قوه قهریه از طریق نیروی انتظامی^۳ به درخواست محکوم له، مفاد آن را جبراً به محکوم علیه تحمیل می نمایند و حکم غیر لازم الاجرا مقابل آن است.^۴
- مأمور اجرا ورقه اجرائیه را به محکوم علیه ابلاغ و به او اخطار می کند که در ظرف ۱۰ روز حکم محکمه را اجرا نماید و اگر طوعاً اجرا نکند مطابق مقررات قانون اجرای احکام مدنی، اجرا خواهد شد (ماده ۵۰ قانون اجرای احکام مدنی) اگر محکوم علیه قبل از ابلاغ ورقه اجرائیه فوت شود ورقه مزبور به ورثه او ابلاغ

۱. غزنوی، عبدالعلی (۱۳۸۳)، تقریرات درس اجرای احکام و اسناد، کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز.

۲. شمس، عبدالله، (۱۳۸۱)، آئین دادرسی مدنی، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، جلد دوم، ص ۲۴۰.

۳. مهدی پور، کاظم (۱۳۸۵)، آنچه لازم است ضابطان دادگستری بدانند، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، ص ۳۵.

۴. شمس، عبدالله، آئین دادرسی مدنی، جلد دوم، همان، ص ۲۴۱.

می شود و اگر بعد از ابلاغ ورقه اجرائیه فوت شود، مفاد ورقه مزبور و عملیات اجرائی که انجام گرفته به ورثه اطلاع داده خواهد شد. بنابراین در مورد توقیف اموال منقول و غیر منقول صحیح این است که مطابق ماده ۱ قانون اجرای احکام مدنی از حکم قطعی نام ببریم که علی الاصول لازم الاجرا می باشد. البته باید توجه داشت که لازمه صدور اجرائیه توقیف اموال محکوم علیه نیست.^۱ بسیاری از موارد عملیات اجرائی قبل از اینکه به توقیف مالی از محکوم علیه منجر شود پایان می یابد. وقتی که خود محکوم علیه، محکوم به را تسلیم نماید یا طرفین به نحوی تراضی نمایند و محکوم له اجرا را پایان یافته بنامد یا وقتی که مأمور اجرا عین محکوم به را از ید محکوم علیه خارج نموده و به محکوم له تسلیم نماید، که در این موارد نوبت به توقیف اموال نمی رسد (ماده ۴۲ قانون اجرای احکام مدنی).

اما اگر عین محکوم به در دسترس نیست و یا محکوم علیه مبلغ محکوم به را تسلیم نمی کند یا اساساً حضور ندارد، باید با توقیف و فروش اموالی از محکوم علیه، محکوم به تدارک شود (ماده ۴۹ قانون اجرای احکام مدنی). بدین منظور قانونگذار تمهیداتی در نظر گرفته که منافع هر دو طرف محفوظ بماند. اموال باید به میزانی که برای محکوم له و هزینه های اجرائی لازم است توقیف شود نه بیشتر و اموالی که فروش آنها سهل است توقیف شود نه اموالی که اساساً مشتری نداشته یا با اشکال به فروش می رسد (مواد ۵۱ و ۵۳ قانون اجرای احکام مدنی). و حتی الامکان رضایت هر دو طرف در جریان توقیف جلب گردد و به حقوق اشخاص ثالثه لطمه ای وارد نیاید و احتمالاً اگر مالی نزد محکوم علیه دارند مورد بازداشت قرار نگیرد. همچنین حداقل اموال و اثاثیه ای که محکوم علیه برای زندگی روزمره لازم دارد توقیف نشود یعنی مستثنیات دین که راجع به آنها

۱. کریمی، حسین (۱۳۷۸)، فرهنگ دادرسی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ص ۱۸.

فهرست مطالب

مقدمه	۱۱
فصل اول - شرایط مشترک توقیف اموال منقول و غیر منقول	۲۱
گفتار اول: تأمین در قانون آئین دادرسی مدنی و توقیف در قانون اجرای احکام مدنی	۲۱
گفتار دوم: مقررات مشترک توقیف اموال منقول و غیر منقول	۲۴
مبحث اول: شرایط اجرای حکم:	۲۴
مبحث دوم: تبدیل مال توقیف شده:	۲۹
مبحث سوم: وثیقه بودن مال توقیفی:	۳۱
مبحث چهارم: روند اجرای حکم	۳۴
۱- جمع بین مواد ۵۶ و ۵۷ قانون اجرای احکام مدنی:	۴۰
۲- تأدیه خسارت قانونی:	۴۴
۳- حضور یا عدم حضور اصحاب دعوا در اجرای حکم:	۴۵
فصل دوم - شرایط خاص توقیف اموال منقول و غیر منقول	۴۷
مبحث اول: شرایط خاص توقیف اموال منقول:	۴۷
۱- توقیف مال منقولی که نزد شخص ثالث است:	۴۹
۲- توقیف اموال منقول خارج از محل سکونت یا کار محکوم علیه:	۵۰
۳- اقدامات دادرز در توقیف اموال منقول:	۵۲
مبحث دوم: شرایط خاص توقیف اموال غیر منقول:	۵۵
۱- اقدامات ثبتی در توقیف اموال غیر منقول:	۵۵
۱-۱- توقیف اموالی که سابقه ثبتی دارند:	۵۶
۲-۱- توقیف اموالی که سابقه ثبتی ندارند:	۵۸
۲- انتقال ملک به محکوم له:	۵۹
۳- توقیف ملک مشاع:	۶۱
۴- توقیف عوائد و منافع ملک:	۶۲

فهرست مطالب



فصل نهم: در ودیعه	۱۱
مبحث اول: در کلیات	۱۱
مبحث دوم- در تعهدات امین	۳۵
مبحث سوم- در تعهدات امانت گذار	۱۱۱
فصل دهم- در عاریه	۱۱۵
فصل یازدهم- در قرض	۱۴۴
فصل دوازدهم- در قمار و گرویندی	۱۶۴
فصل سیزدهم- در وکالت	۱۷۴
مبحث اول- در کلیات	۱۷۴
مبحث دوم- در تعهدات وکیل	۲۰۹
مبحث سوم- در تعهدات موکل	۲۳۲
مبحث چهارم- در طُرُقِ مُخْتَلِفِہٖ اِنْقِضَاۤی وِکَالَت	۲۴۲
فصل چهارم- در ضَمَانِ عَقْدِی	۲۶۳
مبحث اول- در کُلِّیَات	۲۶۳
مبحث دوم: در اَثَرِ ضَمَانِ بَیْنِ ضَامِنٍ وَ مَضْمُونِہٖ	۳۱۱
مبحث سوم: در اَثَرِ ضَمَانِ بَیْنِ ضَامِنٍ وَ مَضْمُونِہٖ غَنَہٗ (بدهکار)	۳۴۱
مبحث چهارم: در اَثَرِ ضَمَانِ بَیْنِ ضَامِنِیْنِ (دو ضامن)	۳۷۱
فصل پانزدهم: در حواله	۳۷۹
فصل شانزدهم: در کفالت	۴۱۰
فصل هفدهم: در صَلَاح	۴۵۴
فصل هجدهم- در رَهْنُ	۴۹۹
فصل نوزدهم- در هِبَہ (بخشش)	۵۶۷